

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر همبستگی ملی جوانان

رضا جلالی^۱

میعاد صادقی^۲

مریم دربانیان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱۷

تحقیق حاضر با واکاوی سوابق نظری، تجربی و نیز پژوهشی پیمایشی درصدد بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر همبستگی ملی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) بوده است. از این منظر، ضمن مروری بر فضای مفهومی موضوع و مشخص کردن سازه‌های مفهومی همبستگی ملی، از رویکردی تلفیقی بر گرفته از نظریه‌های سرمایه اجتماعی رابرت پوتنام، نظام اجتماعی تالکوت پارسونز و عدالت اجتماعی جان رالز برای تبیین نظری و تجربی موضوع تحقیق بهره گرفته است. این تحقیق، بنا به فرضیاتی که از این رویکردها و تئوری‌ها با توجه به ویژگی جامعه مورد مطالعه اخذ کرده، درصدد شناسایی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر همبستگی ملی دانشجویان برآمده است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز تحقیق با روش پیمایش و استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۳۱۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز که از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) انتخاب شده بودند، جمع‌آوری گردید. جهت احتساب اعتبار شاخص‌ها از اعتبار محتوایی صوری و برای احتساب روایی (پایایی) شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (اعتماد اجتماعی بین‌گروهی، مشارکت اجتماعی بین‌گروهی)، کارکرد نهاد سیاست، کارکرد نهاد رسانه، کارکرد نهاد خانواده، تقویت آیین‌های ملی-مذهبی، درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان (درک عدالت رویه‌ای و مراوده‌ای)، رابطه و تأثیر معناداری بر متغیر همبستگی ملی دارند. همچنین، بین همبستگی ملی دانشجویان بر حسب سن، جنسیت، مقطع

^۱ استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Dr_rezajalali@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تحصیلی و وضعیت تاهل تفاوت معناداری مشاهده شده است؛ چنان که متاهلان نسبت به مجردان، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری نسبت به کارشناسی، زنان نسبت به مردان و گروه های سنی بالای ۳۵ سال و ۲۶ تا ۳۰ سال از همبستگی ملی بالایی برخوردار بودند.

واژگان کلیدی: همبستگی، سرمایه، اعتماد، مشارکت و عدالت



مقدمه

واژه "همبستگی"، عبارت است از: "توافق با افرادی که در یک نظام اجتماعی مشارکت می کنند و به ویژه به خاطر هنجارها، ارزش ها، عقاید و ساختارهای آن با آن جامعه احساس نزدیکی می نمایند و به حمایت آن وابسته می باشند". (حیدری، ۱۳۹۰: ۵) مفهوم همبستگی در تاریخ اندیشه علوم اجتماعی، سیاسی و انسانی سابقه ای طولانی دارد؛ به گونه ای که در گذشته و در جوامع سنتی، پیوندهای گوناگونی از قبیله تا مذاهب و حکومت موجب همبستگی جامعه می شد (کروبی و زندی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). همبستگی وجوه گوناگونی دارد و در سطوح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطرح می شود (بشیریه، ۱۳۸۶ به نقل از اصغرپور، مهرآذر و عیوضی، ۱۳۹۴: ۱۱). همبستگی ملی با واژه های وحدت، همدلی، وفاق ملی، یکپارچگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و مانند آن قرابت معنایی دارد و همگی به طور اجمال بر پیوندهای عمیق اجتماعی، وابستگی های ملی، دینی، علایق و احساسات مشترک، کنش ها و واکنش های مورد اتفاق دلالت دارند. در نگاهی کلی، منظور از همبستگی ملی، پدیده ای است که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به طور متقابل نیازمند یکدیگر می باشند (حیدری، ۱۳۹۰: ۵). همبستگی ملی از نیازهای اساسی هر ملت و حکومتی به شمار می آید؛ چرا که بدون همبستگی ملی نظام های سیاسی امکان دوام و بقا نخواهند داشت و از طرفی میزان موفقیت و پیشرفت هر نظام حکومتی در زمینه های مختلف به میزان اتحاد و همدلی مردم آن وابسته است. بنابراین می توان گفت که بحث از همبستگی ملی از اهمیت خاصی برخوردار می باشد و جوامع بشری در طول تاریخ پیوسته به دنبال تحقق آن بودند. این مسأله همراه با شکل گیری زندگی اجتماعی برای انسان ها مطرح بوده و آنها همواره به دنبال شناخت راه های مناسب جهت تقویت آن و همچنین در پی عواملی که باعث آسیب رساندن به آن هستند، بوده اند (صادقیان، ۱۳۸۶: ۹۲). لذا حفظ همبستگی در سطوح مختلف فرهنگی، اجتماعی و ملی یکی از موضوعات مورد علاقه در بیشتر جوامع به ویژه نظام های در حال گذار است. نظام سیاسی که نتواند بین اجزای خود همبستگی و اعتماد ایجاد کند، قطعاً نمی تواند قوانین و سیاست های مورد نظرش را اجرا نماید، چرا که این عدم همبستگی کلان، به سطح جامعه تسری پیدا می کند و از وحدت ملی می کاهد. شکی نیست که لازمه هماهنگی بین اجزای یک نظام اجتماعی سیاسی و غیره وجود فصل مشترک بین این اجزاست. به عبارت دیگر، هرچه تفاهم بر سر هویت های مشترک بیشتر باشد، احتمال رسیدن به همبستگی

بیشتر می شود و برعکس هرچه تفاهم بر سر هویت ملی مشترک کمتر باشد، احتمال همبستگی و وحدت ملی کاهش می یابد و جامعه و کشور به سمت واگرایی سوق پیدا می کنند (اصغرپور، مهرآذر و عیوضی، ۱۳۹۴: ۱۱). بدون تردید، در صورت وجود اختلاف، شکاف و عدم انسجام، هیچ دولتی قادر نخواهد بود برنامه های اساسی و مهم را در کشور به سرانجام برساند. از سوی دیگر، تقویت و حفظ همبستگی ملی در جوامع، معلول عوامل چندی است که مهمترین آنها عملکرد حکومت ها و یا نهاد سیاست می باشد؛ چنان که به تعبیر ابن خلدون در کتاب "المقدمه"، پیروان دین و دولت نقش مهمی را در ایجاد یگانگی ایفا می کنند (نادرپور، ۱۳۸۶: ۲۸). نهاد آموزش (سازمند، ۱۳۸۶، شریف زاده، ۱۳۸۶)، نهاد رسانه (عیوضی، ۱۳۸۶، امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲، خانیکی، ۱۳۷۶ و قاسنی، ۱۳۹۲) و نهاد دین (سلیمی، ۱۳۸۶، فوکویاما، ۱۹۹۵، قاسمی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۰ و نجفی، ۱۳۸۵) نیز از عوامل موثر بر همبستگی ملی در میان اعضای یک جامعه قلمداد می گردند که هر چهار مورد (نهاد سیاست، نهاد آموزش، نهاد رسانه و نهاد دین) در ذیل مکانیسم های جامعه پذیری قرار دارند. همچنین، اعیاد و جشن های ملی هم یکی دیگر از عوامل مهم همبستگی ملی قلمداد می شوند. مردم با مشارکت در جشن نوروز به تأسی از آداب و رسوم کهن، همدلی و هم اندیشی خود را به گونه ای نمادین به نمایش می گذارند و از این طریق حداقل سالی یک بار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان، خویشان، میراث های کهن، روح جمعی و هم وطنان خود تجدید می کنند و به حفظ میراث های خود جان تازه ای می بخشند (صالحی امیری و صمیمی، ۱۳۸۶: ۱۴). علاوه بر این، با توجه به تکرر فرهنگی و قومی جامعه ایران، اهتمام به افزایش سرمایه اجتماعی بین گروهی در جامعه از دیگر عواملی است که موجبات تقویت هویت و همبستگی ملی را در جامعه فراهم می آورد. سرمایه اجتماعی، منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه است که باعث ایجاد شبکه های روابط معقول، حس اعتماد، مشارکت، انسجام و همبستگی اجتماعی بین افراد جامعه می گردد و در نهایت، جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ ذات و انسجام کمک می کند. بنابراین شرط لازم برای پیشرفت جامعه، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام و همبستگی اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (افراد، جامعه و دولت) و تقویت سرمایه اجتماعی است (کارکنان، ۱۳۸۶: ۸۵). با توجه به مطالب فوق و نیز شرایط فعلی جامعه ایران، همبستگی اجتماعی و ملی افراد جامعه نقش مهمی را برای مقابله با چالش های پیش روی جامعه می تواند ایفا نماید. بنابراین، بررسی همبستگی ملی دانشجویان و شناسایی عوامل موثر اجتماعی و فرهنگی بر همبستگی ملی دانشجویان، مسأله اصلی پژوهش حاضر می باشد.

پیشینه پژوهش

مروری بر مطالعات و تحقیقات انجام شده پیرامون همبستگی ملی حاکی از آن است که هر یک از محققان پدیده همبستگی ملی را از یک منظر مورد بررسی قرار داده اند؛ گروهی نقش نهاد رسانه را در تقویت همبستگی ملی اعضای جامعه موثر دیده اند، گروهی نقش نهاد آموزش و به ویژه آموزش عالی و دانشگاه را مدنظر قرار داده اند و برخی از پژوهشگران به نقش نهاد سیاست و عملکرد آن نسبت به اقوام مختلف پرداخته و بیان داشته اند که هر وقت عملکرد نهاد سیاست در جهت تکثرگرایی وحدت محور باشد، همبستگی ملی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. در نهایت، یک تحقیق هم به صورت نظری به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر وفاق اجتماعی پرداخته است. بنابراین نکته قابل توجه در مرور پیشینه تحقیق حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی علی که مجموعه ای از متغیرها و عوامل را بر همبستگی ملی به ویژه در میان دانشجویان مورد توجه قرار داده باشد، انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا علاوه بر لحاظ متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات گذشته، متغیرهای دیگری همچون: عملکرد نهاد خانواده، درک عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی بین گروهی و تقویت آیین های ملی - مذهبی را بر روی همبستگی ملی دانشجویان در قالب عوامل اجتماعی و سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می داند:

- ۱- عنصر شناختی: آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد؛
- ۲- عنصر ارزشی: فرض هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی؛
- ۳- عنصر احساسی: احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه ای خاص با آن گروه

دارند (Tajfel, 1978: 63)

در تئوری هویت اجتماعی تاجفل و ترنر، یک شخص تنها یک "خود شخصی" ندارد، بلکه دارای چندین خود است که با چرخه های عضویت گروهی هم خوانی دارد. زمینه های متفاوت اجتماعی ممکن است یک شخص را به فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن بر مبنای «رده خود» شخصی، خانوادگی یا ملی اش برانگیزاند. (Turner et al, 1982) طبق تعریف این محققان، هویت اجتماعی برداشت افراد

از خود است که از عضویت ادراک شده در گروه های اجتماعی ناشی می شود (Hogg & Vaughan, 2002).

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور تبیین نظری موضوع و استخراج فرضیه های تحقیق از رویکرد تلفیقی بر گرفته از اندیشه های سرمایه اجتماعی رابرت پوتنام، نظریه نظام های تالکوت پارسونز و نظریه عدالت اجتماعی جان رالز استفاده خواهد شد که در ادامه به هر یک از این رویکردهای نظری به اختصار پرداخته می شود:

تئوری های تبیین کننده متغیر وابسته: همبستگی ملی (امیل دورکیم)

در اغلب فرهنگ لغت های لاتین، همبستگی^۱ به عنوان "وحدت منافع یا اهداف، همنوایی و همدلی اعضای یک گروه، همراهی مسئولیت ها و منافع" تعریف شده است. (فرهنگ لغت آزاد، ۲۰۱۱، آمریکن هریتیج، ۲۰۱۱، ویکیدیا، ۲۰۱۱، به نقل از خسروی، ۱۳۹۰: ۵۷). همبستگی به معنای وحدت منافع، مقاصد یا هواداری ها در میان اعضای یک گروه و همراهی مسئولیت ها و منافع است که در وضعیت همدلانه با مفاهیمی نظیر «هم ذات پنداری»، «درک وضعیت»، «احساسات» و «انگیزه های دیگران» پیوند می یابد (اشرف نظری و باقری، ۱۳۹۰: ۵). همبستگی در فرهنگ علوم سیاسی عبارت است از: "همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه (ملی یا بین المللی) برای مرفه تر و مرفه تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز". (مقصودی، ۱۳۸۶: ۲۷ و حیدری، ۱۳۹۰: ۵) همبستگی بنا به تعریف آلن بیرو عبارت است از: "احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار می باشند". (بیرو، ۱۳۷۶: ۴۰۰) از منظر دیوید لاک وود، ما در مباحث و نظریه های مرتبط با جامعه شناسی با دو نوع همبستگی مواجه هستیم؛ یکی همبستگی یا یکپارچگی اجتماعی است که به سطح کنشگران اجتماعی راجع است و دیگری همبستگی و یا یکپارچگی سیستمی که به اجزا و یا سطوح مختلف نظام اجتماعی بر می گردد (کرایب، ۱۳۷۸ و استونز، ۱۳۷۹). کالینز همبستگی یا یکپارچگی اجتماعی را همبستگی از نوع آیینی و همبستگی و یا یکپارچگی سیستمی را ویژگی کارکردگرایانه ساختاری می داند (دوریز و فرارو، ۱۳۸۶: ۲۲). به طور کلی می توان گفت که همبستگی و انواع آن در نظریه دورکیم نقطه شکوفایی این مفهوم بوده است- با اذعان به این ابهام که گاهی وی این مفهوم را ویژگی درونی و روانشناختی در نظر

^۱ Solidarity

می‌گیرد و گاهی آن را صفت جامعه می‌داند (عالمی، ۱۳۹۰: ۲۷۸). در مورد همبستگی ملی تعاریف مختلف، اما همسویی از سوی صاحب نظران مطرح شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

همبستگی ملی عبارت است از: "احساس همدردی، هواداری قلبی مشترک، درک متقابل افراد و سکنه یک سرزمین که با ویژگی‌ها و خصالت‌های مشترک دور هم گرد آمده و تشکیل یک واحد سیاسی و عنصر جغرافیایی ملت را دادند". (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) به بیان دیگر، همبستگی ملی عبارت است از: "توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی، عقاید، آراء، ارزش‌ها و هنجارها در گستره میدان تعامل جمعی که زمینه را برای تنظیم رفتار، مصالحه یا مشارکت مبتنی بر توافق متقابل، تعامل برای رفع نیازهای مشترک و اشتراک در اراده، زبان و نماد همکاری با دیگران برای وصول به هم‌فکری و همگامی را فراهم می‌آورد". (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷) حس همبستگی ملی، احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بردارد. بدین ترتیب، در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به وجود می‌آید - بدون آنکه آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (بهبروز، ۱۳۷۴: ۱۱۲، حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۵: ۲۱ و جهانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۲). در میان اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی، امیل دورکیم بیش از دیگران به طور مستقیم وارد مباحث مربوط به همبستگی اجتماعی شده است. آنچه دورکیم را در بحث همبستگی اجتماعی به ویژه در کتاب تقسیم کار اجتماعی وادار کرده است، یافتن پاسخی برای این سؤال است که چه نیرویی جامعه را متحد و یکپارچه نگه می‌دارد؟ امیل دورکیم در آثار اولیه خود (کتاب تقسیم کار اجتماعی) بر همبستگی جامعه‌ای و دگرگونی آن در طول تاریخ تمرکز دارد. بدین ترتیب که از منظر او واحدها دارای همبستگی متقابل هستند و به یکدیگر احتیاج دارند. بنیان جامعه، وظیفه و تعهد هر واحد برای ایفای نقش خویش است. در مقابل، بر این باور است که جوامع ماقبل صنعتی با تقسیم کاری به نسبت پایین، بواسطه شباهت موجود میان واحدها در کنار یکدیگر باقی می‌مانند. آنها به لحاظ تفکر و رفتار شبیه یکدیگر هستند. بنیان جامعه، شبیه یکدیگر بودن است. بدین ترتیب نوع اولیه جامعه با فرهنگ مشترک که ناشی از وجدان جمعی است و نوع بعدی با وابستگی متقابل ساختاری و کارکردی که ناشی از تقسیم کار اجتماعی فزاینده است، به هم پیوند می‌خورند. او حالت اول را انسجام جامعه براساس همبستگی مکانیکی (انسجام براساس شباهت و همانندی) و حالت دوم را انسجام جامعه براساس همبستگی ارگانیکی (انسجام براساس تمایزپذیری و فردگرایی) نامگذاری می‌کند (دوریز و فرارو، ۱۳۸۶: ۲۰ و کرایب، ۱۳۸۲). از مباحث دورکیم می‌توان چنین استنباط کرد که جامعه ماقبل صنعتی یا همان جامعه دارای همبستگی مکانیکی بواسطه تقسیم کار به نسبت پایین و در نتیجه شباهت‌های کارکردی میان

واحدها قوام می یابد، ولی در جوامع صنعتی یا همان جامعه دارای همبستگی ارگانیکی به واسطه تقسیم کار اجتماعی بالا و در نتیجه تمایز کارکردی میان واحدها، وظیفه و تعهد اعضای جامعه برای ایفای نقش خود در جامعه دوام دارند (خسروی، ۱۳۹۰: ۵۸). ضرورت های اصلی جامعه فرد را به گونه ای می سازند که او از خود گذشته باشد؛ احساس تکلیف و دیگر خواهی همچون نیروی اخلاقی رفتار خودمدارانه افراد را محدود می سازد و لذا اصول همبستگی اجتماعی را تشکیل می دهد. از نقطه نظر تالکوت پارسونز، هر نظام اجتماعی دارای مسأله و یا بعد ادغام کننده ای است که به روابط میان اجزای نظام می پردازد. اگر این اجزا را مردم دارای نقش یا مجموعه های فرعی در نظر بگیریم، در این صورت دو سطح از فرهنگ هنجاری، منابع این ادغام و همگرایی محسوب می شوند: نخست، سطحی از فرهنگ هنجاری مشترک وجود دارد که تمامی اعضای نظام اجتماعی از آن برخوردارند و به واسطه آن (ارزش های فرهنگی) به کلیتی واحد تبدیل می شوند. از دیدگاه پارسونز، این سطح به منبع اول همگرایی مورد نظر دورکیم شباهت دارد که بنیان همگرایی جوامع ساده تر است - یعنی، جوامعی که براساس همبستگی مکانیکی انسجام یافتند. سطح دوم، سطح فرهنگ هنجارین تمایز یافته است که شامل قوانین می شود؛ در این سطح بسته به ماهیت کارکردی وضعیتی آن واحد ساختاری، شکل های معینی از کنش تجویز و یا منع می شود. از دیدگاه پارسونز، این سطح به منبع دوم همگرایی مورد نظر دورکیمز (انسجام براساس همبستگی ارگانیکی) شباهت دارد. بنابراین هر نظام اجتماعی دارای یک ساختار اجتماعی است که عناصر ساختاری آن نقش ها، مجموعه ها، هنجارها و ارزش ها هستند (دوریز و فرارو، ۱۳۸۶: ۲۲). از نظر کالینز، همبستگی به معنای احساس تعلق به یکدیگر است. این فرایند در بردارنده آیین های تعامل به عنوان سازوکارهایی برای ایجاد همبستگی است که نتیجه این فرایند است. بنیان این مدل دارای عناصر زیر است:

۱- حضور فیزیکی همزمان مجموعه ای از افراد

۲- اشتراک در توجه و آگاهی متقابل

۳- احساس عاطفی مشترک.

این عناصر در فرایندی پویا وارد می شوند؛ به گونه ای که عناصر دوم و سوم یکدیگر را تقویت می کنند و در نتیجه توجه مشترک به صورت یک نماد عضویت در می آید. شی مقدسی که نماینده احساسات گروه نوظهور می باشد، به گونه ای است که به عنوان نماد الصاقی از طریق یک جریان بازخورد وارد فرایند می شود. همچنین افرادی که در این آیین مشارکت می جویند و یا به نمادهای آن احترام می گذارند، انرژی

عاطفی و اعتماد به نفس خویش را افزایش می دهند. بالاخره اینکه با توجه به محصول این فرایند، اشخاصی که به این اشیای مقدس بی احترامی کنند، مورد خشم یا مجازاتی موجه قرار می گیرند (دوریز و فرارو، ۱۳۸۶: ۳۳ و ۲۳). هچتر، ضمن تلاش برای ارائه تعریف مشخصی از گروه، همبستگی را در قالب گروه بودن یک گروه مورد بررسی قرار می دهد. از نظر او، همبستگی تابعی از دو مولفه گستردگی وظایف یک گروه و میزان تبعیت اعضا از وظایف است. آنچه که در کانون نظریه هچتر قرار دارد، ارائه رویکردی نو در تبیین پیوند میان مسأله نظم اجتماعی و همبستگی گروهی است. از نظر او همبستگی گروهی، میزان گردن نهادن اعضا به وظایف جمعی خویش در کمک به کالاهای مشترک گروه است، زیرا فرض بر این است که اعضا با یکی از دو گزینه گردن نهادن و تقبل هزینه های آن یا عدم اطاعت و تحمل مجازات ها در صورت کشف مواجه خواهند شد (هچتر، ۱۹۸۷: ۱۶ به نقل از خسروی، ۱۳۹۰: ۵۸). با توجه به رویکردهای نظری مطرحه می توان تعریف زیر را برای همبستگی ملی در نظر گرفت:

"همبستگی ملی به معنای احساس تعلق خاطر مشترک (بعد ارزشی) و احساس تعهد (بعد احساسی و عاطفی) مشترک به اجتماع ملی به همراه احساس تکلیف (بعد مسئولیت) و دیگر خواهی (بعد جهت گیری عام) در مناسبات اجتماعی افراد یک جامعه است."

تئوری های تبیین کننده متغیرهای مستقل: سرمایه اجتماعی (رابرت پاتنام)

به نظر پوتنام، "سرمایه اجتماعی به مجموعه ای از خصائص و مفاهیم از نظام اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها اشاره دارد که می تواند کارایی جامعه را به وسیله تسهیل کنش ها و اقدامات هماهنگ بهبود بخشند". رابرت پوتنام با کمی تغییر در سال ۱۹۹۶ در مورد تعریف سرمایه اجتماعی اظهار داشت: سرمایه اجتماعی به آن دسته از ویژگی های زندگی اجتماعی مانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد گفته می شود که مشارکت کنندگان را قادر خواهد ساخت تا به شیوه ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۵). او در این تعریف اخیر، مشارکت کنندگان را از منتفعان سرمایه اجتماعی قلمداد می کند و نه جامعه را. رابرت پوتنام پس از آن تمایزی بین دو نوع سرمایه اجتماعی قائل می شود که عبارت اند از:

۱. سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، جامع و یا برون گروهی (بین گروهی): سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده یا جامع افراد با تقسیمات اجتماعی متنوع تری را فراهم می آورد که هر کدام از این تقسیمات برای

¹ Bridging

مرتفع کردن نیازهای متفاوت سودمند می باشند. این نوع سرمایه اجتماعی برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفیدند و یک بینش جامعه شناختی را فراهم می آورند که می توانند هویت ها و تعاملات وسیع تری را به وجود آورند (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۶). به بیان دیگر، این نوع از سرمایه اجتماعی اشاره به اعتماد میان گروه های مختلف موجود در یک جامعه دارد. از این رو، می توان آن را به عنوان سرمایه اجتماعی برون گروهی قلمداد کرد. هرچه این میزان از سرمایه اجتماعی در جامعه ای بالاتر باشد، امکان انجام توافقات و نیز حل مسائل و مشکلات افزایش می یابد.

۲. سرمایه اجتماعی درون گروهی یا انحصاری^۱: این نوع از سرمایه اجتماعی اشاره به روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری میان اعضای یک گروه خاص دارد که سایر گروه ها برای اعضای آن غریبه محسوب می شوند. بنابراین منافعی که در این گروه به سبب سرمایه اجتماعی حاصل می شود، تنها از سوی اعضای گروه و نه همگان مورد بهره برداری قرار می گیرد. البته باید خاطر نشان ساخت که این نوع از سرمایه اجتماعی با توجه به اینکه در خدمت منافع گروهی خاص قرار می گیرد می تواند موجب تبعیض میان اعضای یک جامعه باشد؛ در نتیجه، مانع رشد و توسعه محسوب می شود. از سوی دیگر، شدت روابط درون گروهی می تواند از آزادی ها، ابتکارات و انگیزه های پیشرفت برای اعضای گروه ممانعت کند (فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). بنابراین سرمایه اجتماعی درون گروهی، هویت های انحصاری را تقویت می کند و باعث حفظ همگنی درون گروهی یا یک گروه خاص می شود. در ارتباط با دو گونه سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی باید اذعان داشت که هرچه سرمایه اجتماعی درون گروهی تقویت و قوت بیشتری یابد، امکان شکل گیری و حضور سرمایه اجتماعی برون گروهی یا بین گروهی کمتر می شود. دلیلش هم آن است که تعهدات قدرتمند به گروه موجب می شود تا امکان اندکی برای تعامل با سایر افراد فراهم شود. در حالی که اگر تعهدات و علایق گروهی افراد شدید نباشد، آنها می توانند به آسانی با گروه های مختلف دیگر همکاری و تعامل داشته باشند. لذا وجود میزانی مناسب از این دو گونه سرمایه اجتماعی است که می تواند موجب بهبود عملکرد اقتصادی و اجتماعی شود. میزان بالای اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به دیگران ناشناس، نشانگرهای سرمایه اجتماعی برون گروهی هستند (همان، ص ۲۰۴). با توجه به رویکرد سرمایه اجتماعی می توان اذعان داشت که افزایش سرمایه اجتماعی و به ویژه سرمایه اجتماعی برون گروهی موجبات هرچه بیشتر تحکیم همبستگی و وحدت ملی را فراهم می کنند. لذا می توان اذعان داشت که

^۱ Bonding Social Capital

بی اعتمادی و کاهش تعاملات اجتماعی، دو عامل مهمی هستند که سرمایه اجتماعی و در نهایت همبستگی ملی میان اعضای یک جامعه را جامعه تهدید می کنند.

تئوری‌های تبیین کننده متغیرهای مستقل: خرده‌نظام‌های اجتماعی (تالکوت پارسونز)

یکی از بنیانگذاران اصلی کارکردگرایی معاصر، پارسونز است. او نظام اجتماعی را متشکل از چهار خرده نظام (نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) فرض می‌کند که این خرده نظام‌ها بر کنش افراد تأثیر می‌گذارند. مهمترین این خرده نظام‌ها خرده نظام فرهنگی است. این خرده نظام، از ایده‌ها، اندیشه‌ها، آرزوها، اعتقادات باورهای جمعی و آداب و رسوم زندگی اجتماعی که فرد از جامعه حال و گذشته اش فرا گرفته، ترکیب یافته است. مهمترین کارکرد این خرده نظام، انسجام، پایداری یا بقای نظام است؛ خرده نظام فرهنگی این کارکرد را از طریق فرایند اجتماعی شدن یا جامعه پذیری، در قالب آموزش قوانین، مقررات، آیین‌ها و آداب متفاوتی که برای جامعه مفید است و همچنین از طریق کنترل اجتماعی بواسطه سایر خرده نظام‌ها انجام می‌دهد. البته کنترل اجتماعی که مورد نظر پارسونز است، در اشکال "تعلیم و تربیت، تلقین، تبلیغ و نهایتاً زور انجام می‌شود تا به هر طریق ممکن، افراد جامعه را موافق و همسوی با نظام سازد" (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۸۵-۱۸۳). پارسونز فرهنگ را نیروی عمده ای فرض می‌کند که عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد و در جامعه انسجام ایجاد می‌کند. فرهنگ میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۱۳۸). از سوی دیگر، پارسونز معتقد است اولین شرط از شرایط و مقتضیات کارکردی برای دوام و پایداری جامعه، "شرایط لازم برای تحقق هدف‌ها" است. مطابق این شرط، برای اینکه یک نظام اجتماعی دوام پیدا کند، باید زمینه لازم برای تحقق هدف‌های شخصی و عمومی فراهم گردد. پارسونز معتقد است: "دوام جامعه بی آنکه نیازمندی‌های اساسی اعضای آن بر آورده شود، امکان پذیر نیست" (ادیبی، ۱۳۷۵: ۷۷). به عبارت دیگر، پارسونز معتقد است در هر جامعه هنجارها و قواعدی برای رفتار وجود دارند که این هنجارها، نمودهای عملی اهدافی هستند که توسط ارزش‌های جامعه مشخص شده اند و افراد از طریق فرایند جامعه پذیری بواسطه مکانیسم‌های جامعه پذیری این ارزش‌ها و هنجارها را درونی می‌کنند و این مدل درونی شده ارزش‌ها و هنجارها، زمینه ساز مدل ساده‌ای از الگوهای پایدار رفتاری در مناسبات اجتماعی می‌شود (شهسواری، ۱۳۸۴). به بیان دیگر، در حالی که در ساخت کنش اجتماعی، واحد کنش، نقطه شروع کار پارسونز بود، نظام تجربی و ساخت اجتماعی کلان نقطه عزیمت او را در آثار کارکردگرایانه ساختاری

تشکیل می دهد که بر ادغام انگیزه کنشگران با استانداردهای فرهنگی هنجاری که کنش اجتماعی را منسجم می سازند، تأکید دارند. پارسونز بر اساس این دیدگاه تلاش می کند تا با تئوریزه کردن فرهنگ به مثابه حوزه یا نظامی مستقل، نهادهای فرهنگی و اجتماعی را از یکدیگر متمایز سازد. او استدلال می کند که سیستم ارزشی مشترک پیش شرط های لازم را برای انسجام اجتماعی فراهم می آورد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴). بنابراین اختلال در کارکرد نهادهایی مانند مذهب، خانواده، آموزش و رسانه که وظیفه جامعه پذیری افراد را بر عهده دارند و اختلال در مکانیسم های کنترل اجتماعی، باعث می شود افراد نسبت به ارزش ها و هنجارهای جامعه احساس بی تعلقی کنند و هویت و همبستگی اجتماعی لازم در آنان شکل نگیرد.

تئوری های تبیین کننده متغیرهای مستقل: عدالت اجتماعی (جان رالز)

در نظریه رالز، عدالت نهادی اجتماعی و اخلاقی تلقی می شود و می توان این نهاد را وضع کرد. عدالت در این دیدگاه مفهومی طبیعی نیست، بلکه مفهومی قراردادی است. آنچه در کتاب "نظریه ای درباره عدالت" مورد توجه رالز است، رسیدن به «عدالت به مثابه انصاف» می باشد. جان رالز در پیش درآمدی بر چاپ اول کتاب "نظریه ای درباره عدالت" ابراز می دارد که برداشت او از عدالت به مثابه انصاف مناسب ترین مبنای اخلاقی را برای یک جامعه دموکراتیک تشکیل می دهد (اسلامی، ۱۳۸۷: ۹). بنابراین رالز در این کتاب، در پی پایه ریزی این مبنای اخلاقی است؛ به نظر وی جامعه ای عادلانه است و نظام حقوقی و وظایف اجتماعی، زمانی منصفانه و عادلانه خواهد بود که ساختار آن مبتنی بر اصول و معیارهای عادلانه باشد (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۴۳). به بیان دیگر، عدالت در اندیشه رالز عبارت است از: "حذف امتیازات ناموجه و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته های متعارض انسان ها تا به این صورت امتیازات و خواسته های نامعقول از ساختار اجتماعی حذف شود و تعادل در ساختار اجتماعی حاصل شود". در نظر رالز - همان طور که هر نظریه علمی که مخالف حقیقت باشد، باید طرد شود - هر نهاد اجتماعی اگر مخالف عدالت باشد باید لغو یا اصلاح گردد. رالز نظریه خود را "عدالت به مثابه انصاف" نامید، چون اصول عدالتی که در وضعیت اولیه بر سر آنها توافق می شود با روش منصفانه ای به دست آمده است، نه این که عدالت با انصاف یکسان باشد. او معتقد است که عدالت، والاترین فضیلتی است که نهادهای اجتماعی قادر هستند ایجاد کنند. در نظریه رالز دو اصل در عدالت مطرح هستند:

۱- اصل آزادی: از این اصل با تعبیر گوناگونی یاد شده است، مانند اصل بیشینه - سازی آزادی برابر یا اصل برابری در آزادی های اساسی^۱. هر شخصی باید حقی برابر نسبت به گسترده ترین نظام جامع آزادی های اساسی را داشته باشد که با نظام مشابه آزادی برای همگان در منافات نباشد (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۴۳). در اندیشه رالز، آزادی را تنها می توان برای آزادی محدود کرد (رالز، ۲۰۰۰ و رالز، ۱۹۷۱: ۲۰۳، ۲۲۱ و ۲۴۸ به نقل از دادگر و آرمان مهر، ۱۳۸۸: ۴۰). آزادی های اساسی مورد نظر رالز عبارت اند از: ۱- آزادی مشارکت سیاسی (مانند حق رای دهی و رسیدن به مناصب دولتی)، ۲- آزادی بیان و ایجاد اجتماعات یا انجمن ها (مانند آزادی مطبوعات)، ۳- آزادی فکر و عقیده (مانند آزادی در انتخاب نوع دین)، ۴- حق مالکیت فردی و محافظت از دارایی شخصی^۲ و ۵- عدم هر گونه توقیف یا دستگیری مستبدانه. مهمترین کالای اساسی مورد نظر وی در قلمرو اصل اول، عزت نفس است، چرا که هر فرد تنها زمانی از پیگیری برنامه ها خرسند می شود که برنامه ها به وی احساس ارزشمندی بدهد و بدون عزت نفس انجام هر کاری، بی ارزش به نظر می آید. برای حفظ عزت نفس دستیابی به حداقلی از کالاهای اساسی ضروری است (همان، ص ۴۰).

۲- اصل تفاوت: نابرابری های اقتصادی و اجتماعی باید چنان سامان یابند که هر دوی آنها: الف- بیشترین نفع را برای محرومترین افراد داشته باشد؛ ب- به مناصب و مشاغل متصل باشند که در شرایط منصفانه و برابر از نظر فرصت به روی همه گشوده باشند (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۴۳). اهمیت اصل تفاوت از این جا روشن می شود که ممکن است مصلحت باشد که برخی از مردم ثروت کمتری داشته باشند تا دیگران کامیاب باشند و در مجموع، مطلوبیت اجتماعی ارتقا یابد. نابرابری در اندیشه رالز تفاوت در منافع و مسئولیت هاست. لذا بر این اساس این رویکرد، توزیع عادلانه منابع در دو بخش اقتصادی و اجتماعی قابل اجراست که یکی از توزیع عادلانه منابع ارزشمند نشأت می گیرد و دیگری به برابری فرصت ها راجع می باشد. بنابراین با توجه به رویکردهای مطرح شده در ذیل عدالت اجتماعی، اگر افراد یک جامعه اصول و معیارهای جاکم بر جامعه را در ابعاد مختلف عدالت (توزیعی، رویه ای یا مراوده ای) عادلانه ببینند، احساس رضایت و در نتیجه احساس تعهد، تعلق، تکلیف و دگرخواهی بیشتری از خود نشان خواهند داد.

^۱ رالز پسین، مجموعه ای مناسب از آزادی های اساسی را جایگزین اصل برابری در آزادی های اساسی می کند (رالز، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰: ۲۷۴ به نقل از دادگر و آرمان مهر، ۱۳۸۸: ۴۰).

^۲ رالز پسین، آزادی های اقتصادی را در مقوله آزادی های اساسی قرار نمی دهد. از این رو، آزادی های اقتصادی می توانند در اندیشه وی در معرض محدودیت قرار گیرند. (رالز، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰: ۲۷۴ به نقل از دادگر و آرمان مهر، ۱۳۸۸: ۴۰)

فرضیه های پژوهش

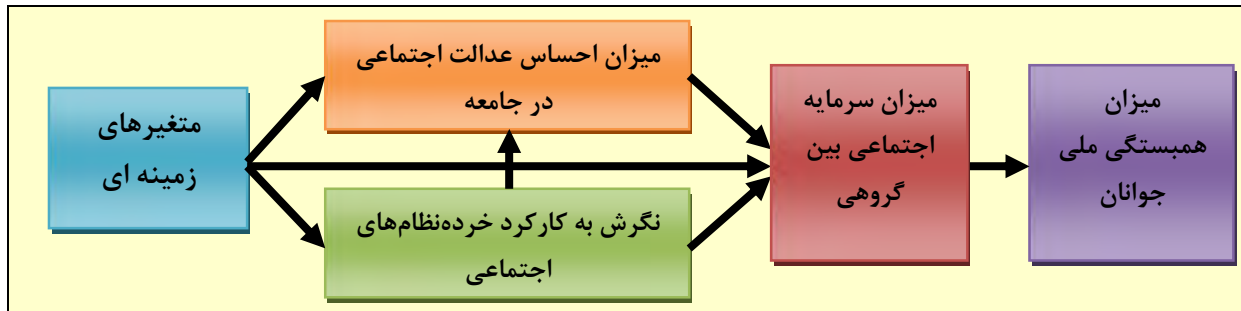
فرضیه های دومتغیره تحقیق

۱. بین افزایش سرمایه اجتماعی بین گروهی (براساس اعتماد اجتماعی بین گروهی و مشارکت اجتماعی بین گروهی) و میزان همبستگی ملی جوانان (دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین نگرش به کارکرد خرده نظام های اجتماعی (براساس کارکرد نهاد سیاست، نهاد رسانه، نهاد آموزش، نهاد خانواده و آئین های ملی- مذهبی) و میزان همبستگی ملی جوانان (دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین میزان احساس عدالت اجتماعی در جامعه (براساس درک از عدالت توزیعی و درک از عدالت رویه ای یا مراوده ای) و میزان همبستگی ملی جوانان (دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین میزان همبستگی ملی جوانان (دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) برحسب ویژگی های فردی و اجتماعی آنها (نظیر جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، وضع اشتغال، وضعیت مسکن، نوع شغل، میزان درآمد و) تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه چندمتغیره تحقیق

باتوجه به نقش متغیرهای زمینه ای (جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، وضع اشتغال، وضعیت مسکن، نوع شغل، میزان درآمد و)، نگرش به کارکرد خرده نظام های اجتماعی (براساس کارکرد نهاد سیاست، نهاد رسانه، نهاد آموزش، نهاد خانواده، و آئین های ملی- مذهبی) و میزان احساس عدالت اجتماعی در جامعه (براساس درک از عدالت توزیعی و درک از عدالت رویه ای یا مراوده ای)- ضمن تأثیرگذاری بر میزان سرمایه اجتماعی بین گروهی (براساس اعتماد اجتماعی بین گروهی و مشارکت اجتماعی بین گروهی)- می تواند باعث ارتقای میزان همبستگی ملی جوانان (دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) گردد.

مدل نظری تحقیق



روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز اعم از مردان و زنان تشکیل می‌دهند که در زمان پژوهش (۱۳۹۳-۱۳۹۴) در این واحد دانشگاهی مشغول به تحصیل می‌باشند. تعداد دانشجویان این دانشکده حدود ۱۵۱۶ نفر برآورد می‌شود که تعداد آنان برحسب دانشجویان مرد و دانشجویان زن و نیز گروه‌های تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به شرح جدول ۲ می‌باشد.

روش نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری در این بخش تحقیق جزو گروه نمونه‌گیری احتمالی و از نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی می‌باشد. در توضیح این نوع نمونه‌گیری باید گفت که ابتدا جامعه آماری براساس متغیرهایی همچون سن، جنسیت، تحصیلات و... به طبقات و یا گروه‌هایی تقسیم می‌شوند. آنگاه از میان هر طبقه و یا گروه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و یا سیستماتیک (منظم) مبادرت به انتخاب نمونه‌های تحقیق می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۸). بنابراین در این پژوهش نیز ابتدا دانشجویان براساس متغیرهایی همچون جنسیت و مقطع تحصیلی به طبقاتی تقسیم شدند. آنگاه از میان هر طبقه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با توجه به حجم نمونه مختص به هر طبقه (جنسیتی و مقطع تحصیلی) مبادرت به انتخاب نمونه‌های تحقیق شد. جدول ۳، حجم نمونه آماری دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز را بر حسب طبقات جنسیت و مقطع تحصیلی نشان می‌دهد.

برآورد حجم نمونه تحقیق

برای تعیین حجم نمونه از جدول نمونه گیری کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) استفاده شد. بنابراین برحسب جدول نمونه گیری مورگان و کرجسی با حجم جامعه آماری ۱۶۰۰ نفر، حجم جمعیت نمونه تحقیق ۳۱۰ نفر برآورد گردید.

جدول ۲: حجم جامعه آماری دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقطع تحصیلی و جنسیت	دانشجویان کارشناسی	دانشجویان ارشد	دانشجویان دکتری	کل
دانشجویان مرد	۴۳۴	۶۱۲	۱۵۱	۱۱۹۷
دانشجویان زن	۱۵۸	۱۲۶	۳۵	۳۱۹
کل	۵۹۲	۷۳۸	۱۸۶	۱۵۱۶

جدول ۳: حجم نمونه آماری دانشجویان دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقطع تحصیلی و جنسیت	دانشجویان کارشناسی	دانشجویان ارشد	دانشجویان دکتری	کل
دانشجویان مرد	۸۹	۱۲۵	۳۱	۲۴۵
دانشجویان زن	۳۲	۲۶	۷	۶۵
کل	۱۲۱	۱۵۱	۳۸	۳۱۰

یافته های پژوهشی

تحلیل توصیفی داده ها

الف- ویژگی های جمعیتی پاسخگویان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
از دانشجویان مورد بررسی در این تحقیق به ترتیب ۳۱/۱ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۵ سال، ۱۸/۱ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۰ سال، ۱۴ درصد در گروه سنی ۳۱-۳۵ سال، ۳۶/۹ درصد نیز در گروه سنی بالای ۳۵ سال قرار داشتند. ۷۹ درصد دانشجویان مرد و ۲۱ درصد زن بودند. ۳۸/۹ درصد مجرد و ۶۱/۱ درصد متأهل بودند. ۳۹/۳ درصد در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۴۸/۳ درصد در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱۲/۳ درصد در مقطع تحصیلی دکتری مشغول به تحصیل بودند.
۵/۴ درصد کمتر از یک میلیون تومان، ۵/۴ درصد بین یک میلیون تا یک میلیون و چهارصد و نود و نه هزار تومان، ۳۹/۱ درصد بین یک میلیون و نیم تا دو میلیون تومان و ۵۰ درصد بالای دو میلیون تومان هزینه ماهیانه خانواده داشتند.

ب- توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

جدول ۴، توزیع فراوانی میزان همبستگی ملی دانشجویان و مولفه های آن را نشان می دهد. همان گونه که می بینیم میزان متغیر همبستگی ملی و مولفه های آن بالاتر از سطح متوسط می باشد.

جدول ۵، توزیع فراوانی میزان متغیرهای مستقل و مولفه های آن را نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود میزان متغیرهای مستقل و مولفه های آن بالاتر از سطح متوسط می باشد. البته برای متغیر کارکرد نهاد رسانه و نیز مولفه درک عدالت توزیعی از متغیر عدالت اجتماعی سهم طبقه پایین بیشتر از سهم طبقات متوسط و بالا می باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی میزان همبستگی ملی دانشجویان و مولفه های آن

متغیر	پایین	متوسط	بالا	مشاهدات معتبر	درصد
همبستگی ملی	۲۴/۲	۲۲/۳	۵۳/۵	۳۱۰	۱۰۰/۰
ابعاد همبستگی ملی	۱۹/۰	۱۰/۳	۷۰/۶	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۲۹/۴	۴۴/۸	۲۵/۸	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۱۹/۰	۱۶/۱	۶۴/۸	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۱۰/۰	۳۳/۵	۳۶/۵	۳۱۰	۱۰۰/۰

جدول ۵: توزیع فراوانی میزان متغیرهای مستقل و مولفه های آن

متغیر	پایین	متوسط	بالا	مشاهدات معتبر	درصد
سرمایه اجتماعی بین گروهی	۱۰/۲	۶۹/۷	۲۰/۱	۲۹۴	۱۰۰/۰
ابعاد سرمایه اجتماعی	۴۲/۹	۴۰/۵	۱۶/۷	۲۹۴	۱۰۰/۰
	۹/۷	۵۱/۳	۳۹/۰	۳۱۰	۱۰۰/۰
ابعاد خرده نظام های اجتماعی	۲۰/۰	۳۶/۵	۴۳/۵	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۵۱/۹	۳۳/۲	۱۴/۸	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۲۳/۹	۳۳/۵	۴۲/۶	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۴۳/۰	۲۱/۳	۳۵/۷	۲۸۶	۱۰۰/۰
	۱۵/۷	۵۰/۰	۳۴/۳	۲۸۶	۱۰۰/۰
ابعاد عدالت اجتماعی	۱۶/۱	۶۸/۱	۱۵/۸	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۵۰/۶	۴۳/۹	۵/۵	۳۱۰	۱۰۰/۰
	۲۰/۰	۵۸/۴	۲۱/۶	۳۱۰	۱۰۰/۰

ج- اعتبار و پایایی متغیرهای اصلی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، تحقیقی توصیفی از نوع همبستگی می باشد. همچنین، از حیث روش گردآوری داده ها، جزو تحقیقات کمی از نوع مطالعات پیمایشی محسوب می شود. پیمایش، روشی در تحقیق اجتماعی است که بیکر آن را چنین تعریف می کند: "روشی برای گرد آوری داده ها که در آن از گروه های معینی از افراد بر اساس انتخاب نمونه ای تصادفی و معرف جامعه آماری خواسته می شود به تعدادی پرسش مشخص، پاسخ دهند(بیکر، ۱۳۷۷:۱۹۶). برای جمع آوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. به منظور سنجش اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار محتوایی صوری کیفی و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از روش آزمون "آلفای کرونباخ" استفاده شده است. جدول ۱، روایی(پایایی) شاخص ها و گویه های متغیرهای تحقیق را بعد از حذف گویه هایی که از همبستگی پایینی نسبت به گویه های دیگر برخوردار بودند، نشان می دهد. همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، متغیرها و شاخص های تحقیق از روایی(پایایی) لازم برای سنجش برخوردار هستند، چرا که میزان ضریب آلفای کرونباخ در سطح قابل قبولی می باشد.

جدول ۶: روایی(پایایی) شاخص ها و گویه های متغیرهای تحقیق

روایی		ابعاد	متغیر	نوع متغیر
آلفای کل	آلفای ابعاد			
۰/۹۷	۰/۹۰	احساس تعلق خاطر (بعد ارزشی)	میزان همبستگی ملی جوانان	وابسته
	۰/۸۱	احساس تعهد(بعد احساسی و عاطفی)		
	۰/۹۲	احساس تکلیف(بعد مسئولیت)		
	۰/۸۸	دیگر خواهی(بعد جهت گیری عام)		
۰/۶۷		اعتماد اجتماعی بین گروهی	میزان سرمایه اجتماعی بین گروهی	مستقل
		مشارکت اجتماعی بین گروهی		
۰/۸۵		کارکرد نهاد سیاست	نگرش به کارکرد خرده نظام های اجتماعی	
۰/۷۸		کارکرد نهاد رسانه		
۰/۶۸		کارکرد نهاد آموزش		
۰/۷۳		کارکرد نهاد خانواده		
۰/۶۴		تقویت آئین های ملی - مذهبی		
۰/۶۳		عدالت توزیعی	میزان احساس عدالت اجتماعی در جامعه	
		عدالت رویه ای(مراوده ای)		

تحلیل استنباطی داده ها

تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه های تحقیق در گام اول

جدول ۶، توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل تحقیق را با متغیر وابسته به اختصار نشان می دهد. همان گونه که می بینیم کلیه فرضیه های تحقیق (به جز فرضیه ۴ و ۱-۷) به لحاظ آماری تأیید گردید و روابط مفروضه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق معنی دار می باشد.

جدول ۷: توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته

بی جواب	مشاهدات معتبر	سطح معناداری	مقدار ضرایب	ضرایب	فرضیه ها
۱۶	۲۹۴	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۴۱ V:۰/۴۷	Kendall's tau Somers d	بین افزایش سرمایه اجتماعی بین گروهی و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۱۶	۲۹۴	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۲۶ V:۰/۲۶	Kendall's tau Somers d	بین افزایش اعتماد اجتماعی بین گروهی و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۲۴ V:۰/۲۵	Kendall's tau Somers d	بین افزایش مشارکت اجتماعی بین گروهی و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۴۶ V:۰/۴۶	Kendall's tau Somers d	بین کارکرد نهاد سیاست و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۰۰۳ sig:۰/۰۰۳	V:۰/۱۴ V:۰/۱۴	Kendall's tau Somers d	بین کارکرد نهاد رسانه و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۰۶۳ sig:۰/۰۶۳	V:۰/۱۰ V:۰/۱۰	Kendall's tau Somers d	بین کارکرد نهاد آموزش و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۲۴	۲۶۸	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۳۲ V:۰/۳۲	Kendall's tau Somers d	بین کارکرد نهاد خانواده و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۲۴	۲۸۶	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۳۱ V:۰/۳۱	Kendall's tau Somers d	بین تقویت آئین های ملی - مذهبی و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۲۸ V:۰/۳۱	Kendall's tau Somers d	بین درک عدالت اجتماعی و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۷۷۸ sig:۰/۷۷۸	V:۰ -/۰۱ V: -۰/۰۱	Kendall's tau Somers d	بین درک عدالت توزیعی و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۰	۳۱۰	sig:۰/۰۰۰ sig:۰/۰۰۰	V:۰/۲۷ V:۰/۲۸	Kendall's tau Somers d	بین درک عدالت رویه ای (مراوده ای) و میزان همبستگی ملی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

تحلیل مقایسه ای و آزمون فرضیه های تحقیق در گام اول

جدول ۷، همبستگی ملی دانشجویان را بر حسب متغیرهای سن و مقطع تحصیلی نشان می دهد. همان گونه که یافته های جدول ۷، میانگین رتبه ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می دهد، بین همبستگی ملی دانشجویان بر حسب سن تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین ترتیب که دانشجویان بالای ۳۵ سال و دانشجویان بین ۲۶ تا ۳۰ سال از بیشترین میزان همبستگی ملی و در مقابل دانشجویان بین ۲۰ تا ۲۵ سال و دانشجویان بین ۳۱ تا ۳۵ سال از کمترین میزان همبستگی ملی برخوردار بودند. علاوه بر این، همبستگی ملی دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی یکسان نیست، بدین ترتیب که دانشجویان مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری از بیشترین میزان همبستگی ملی و در مقابل، دانشجویان دوره کارشناسی از کمترین میزان همبستگی ملی برخوردار می باشند^۱. جدول ۸، همبستگی ملی دانشجویان را بر حسب متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل نشان می دهد. همان گونه که یافته های جدول ۸ و نیز سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف دو نمونه ای نشان می دهد، بین همبستگی ملی دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، با توجه به منفی بودن تفاوت بیشترین قدر مطلق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف می توان نتیجه گرفت که همبستگی ملی دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد می باشد. این امر بیانگر آن است که توزیع فراوانی نسبی جمعیتی دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد می باشد. علاوه بر این، بین همبستگی ملی دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، با توجه به منفی بودن تفاوت بیشترین قدر مطلق آزمون کولموگروف - اسمیرنوف می توان نتیجه گرفت که همبستگی ملی دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد می باشد. این امر بیانگر آن است که توزیع فراوانی نسبی جمعیتی دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد می باشد.

جدول ۷: توزیع همبستگی ملی دانشجویان مرکز بر حسب سن و مقطع تحصیلی

آزمون کروسکال والیس					همبستگی ملی دانشجویان	۳
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه ها	تعداد کل		
۰/۰۰۰	۳	۷۰/۰۱۸	۱۰۱/۶۵	۹۱	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	۳

^۱ بنابراین برخلاف فرضیه چهارم تحقیق، نهاد آموزش رابطه معنادار ضعیفی را نشان داد؛ به گونه ای که موجب رد فرضیه با اختلاف اندکی شد. در اینجا تفاوت میانگین رتبه های همبستگی ملی مقاطع مختلف تحصیلی بیانگر نقش موثر نهاد آموزش بر همبستگی ملی دانشجویان می باشد.

			۱۴۷/۰۲	۵۳	بین ۲۶ تا ۳۰ سال
			۱۲۸/۶۱	۴۱	بین ۳۱ تا ۳۵ سال
			۱۹۲/۱۹	۱۰۸	بالای ۳۵ سال
			-	۱۸۵	نمونه کل
۰/۰۲۶	۲	۷/۲۶۲	۱۳۷/۶۴	۱۱۸	کارشناسی
			۱۶۳/۰۳	۱۴۵	کارشناسی ارشد
			۱۴۲/۴۲	۳۷	دکتری
			-	۳۰۰	نمونه کل

جدول ۸: توزیع توزیع همبستگی ملی دانشجویان مرکز بر حسب جنسیت

آزمون دو نمونه ای کولموگروف - اسمیرنوف		تفاوت بیشترین قدر مطلق همبستگی ملی دانشجویان		تعداد کل	متغیر	
sig	مقدار					
۰/۰۰۰	۲/۸۲۳	۰/۳۹۴	کل	۲۴۴	مرد	جنسیت
		۰/۰۰۰	مثبت	۶۵	زن	
		-۰/۳۹۴	منفی	۳۰۹	نمونه کل	
۰/۰۰۰	۵/۵۳۸	۰/۶۵۸	کل	۱۱۶	مرد	وضعیت رهن
		۰/۰۰۰	مثبت	۱۸۲	زن	
		-۰/۶۵۸	منفی	۲۹۸	نمونه کل	

تحلیل چند متغیره

الف - تحلیل رگرسیونی چند متغیره

جدول ۹ مدل رگرسیونی چند متغیره همبستگی ملی دانشجویان را نشان می دهد. همچنین جدول ۱۰، شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی همبستگی ملی دانشجویان را مشخص می کند.

جدول ۹: مدل رگرسیونی چند متغیره همبستگی ملی دانشجویان

متغیرهایی که وارد معادله شده اند					
متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	مقدار t	سطح معنی داری t
	B	خطای استاندارد	Beta		
سرمایه اجتماعی بین گروهی	۳/۰۵۴	۰/۲۲۱	۰/۷۰۶	۱۳/۸۴۹	۰/۰۰۰
کارکرد نهاد سیاست	۰/۷۶۱	۰/۲۶۶	۰/۱۵۳	۲/۸۶۷	۰/۰۰۴

کارکرد نهاد رسانه	۰/۴۲۴	۰/۲۲۸	۰/۰۷۵	۱/۸۶۲	۰/۰۴۴
تقویت آئین های ملی - مذهبی	۳/۵۰۰	۰/۲۸۹	۰/۷۰۴	۱۲/۱۳۲	۰/۰۰۰
درک عدالت اجتماعی	۲/۲۷۹	۰/۳۳۴	۰/۳۴۶	۶/۸۲۸	۰/۰۰۰
(Constant) عرض از مبدأ	۵۲/۸۷۲	۵/۷۶۰	-	۹/۱۷۹	۰/۰۰۰
متغیرهایی که از معادله خارج شده اند					
کارکرد نهاد آموزش	۰/۶۷۲	۰/۴۱۹	۰/۰۷۷	۱/۶۰۵	۰/۱۱۰
کارکرد نهاد خانواده	۰/۲۳۰	۰/۳۳۰	۰/۰۴۰	۰/۷۱۴	۰/۴۷۶

جدول ۱۰: شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی همبستگی ملی دانشجویان

Method : Stepwise	روش ورود متغیرها: روش گام به گام
M.R = 0/875	ضریب همبستگی چندگانه
R ^۲ = 0/766	ضریب تعیین
R ^۲ .adj = 0/760	ضریب تعیین واقعی
S.E = 0/11/176	انحراف یا خطای معیار
ANOVA = 122/768	تحلیل واریانس
Sig = 0/000	سطح معناداری F

همان گونه که در جدول ۱۰ ملاحظه می شود، ضریب همبستگی چند گانه^۱ $M.R = 0/875$ و ضریب تعیین^۲ $R^2 = 0/766$ می باشد و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۷۶ درصد از واریانس (تغییرات) همبستگی ملی دانشجویان توسط متغیرهای موجود در معادله رگرسیونی تبیین و پیش بینی می شود. البته با توجه به اینکه در روش Enter یا هر روش دیگر انتخاب متغیرهای مدل رگرسیونی به ازای افزایش یک متغیر مستقل، مقدار R^2 نیز افزایش پیدا می کند، برای رفع این محدودیت از ضریب تعیین تصحیح شده یا تعدیل یافته^۳ استفاده می شود؛ بدین ترتیب ضریب تعیین تصحیح شده یا تعدیل یافته برابر با $R^2.adj = 0/760$ می باشد و به معنای آن است که ۷۶ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی تبیین و پیش بینی می شود و ۲۵ درصد از واریانس متغیر وابسته مربوط به تأثیر متغیرهای بیرونی و ناشناخته است که در این مطالعه لحاظ نگردیده است. همچنین تحلیل واریانس و سطح معناداری F، معناداری ضریب تعیین را نشان می دهد و بیانگر این مطلب است که متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی از توان تبیین متغیر وابسته تحقیق (همبستگی ملی دانشجویان) برخوردار هستند.

¹ Multiple Correlation Coefficient (R)

² R Square

³ Adjusted R Square

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای فوق را می توان به صورت استاندارد شده و به شکل ریاضی چنین نوشت:

$$Y = 0.13 E + 0.08 (\text{کارکرد نهاد رسانه}) + 0.15 (\text{کارکرد نهاد سیاست}) + 0.34 (\text{تقویت آئین های ملی - مذهبی}) + 0.70 (\text{سرمایه اجتماعی بین گروهی}) + 0.70$$

بر اساس معادله رگرسیونی فوق، نکات ذیل قابل توضیح است:

۱. متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بین گروهی به میزان ۰/۷۰ بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معنادار دارد. این امر بیانگر آن است که به ازای هر واحد افزایش در (انحراف استاندارد) متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بین گروهی، ۰/۷۰ بر (انحراف استاندارد) میزان متغیر وابسته همبستگی ملی دانشجویان افزوده می شود.

۲. متغیر مستقل کارکرد نهاد سیاست به میزان ۰/۱۵ بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری دارد. این امر بیانگر آن است که به ازای هر واحد افزایش در (انحراف استاندارد) متغیر مستقل کارکرد نهاد سیاست، ۰/۱۵ بر (انحراف استاندارد) میزان متغیر وابسته همبستگی ملی دانشجویان افزوده می شود.

۳. متغیر مستقل کارکرد نهاد رسانه به میزان ۰/۰۸ بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری دارد. این امر بیانگر آن است که به ازای هر واحد افزایش در (انحراف استاندارد) متغیر مستقل کارکرد نهاد رسانه، ۰/۰۸ بر (انحراف استاندارد) میزان متغیر وابسته همبستگی ملی دانشجویان افزوده می شود.

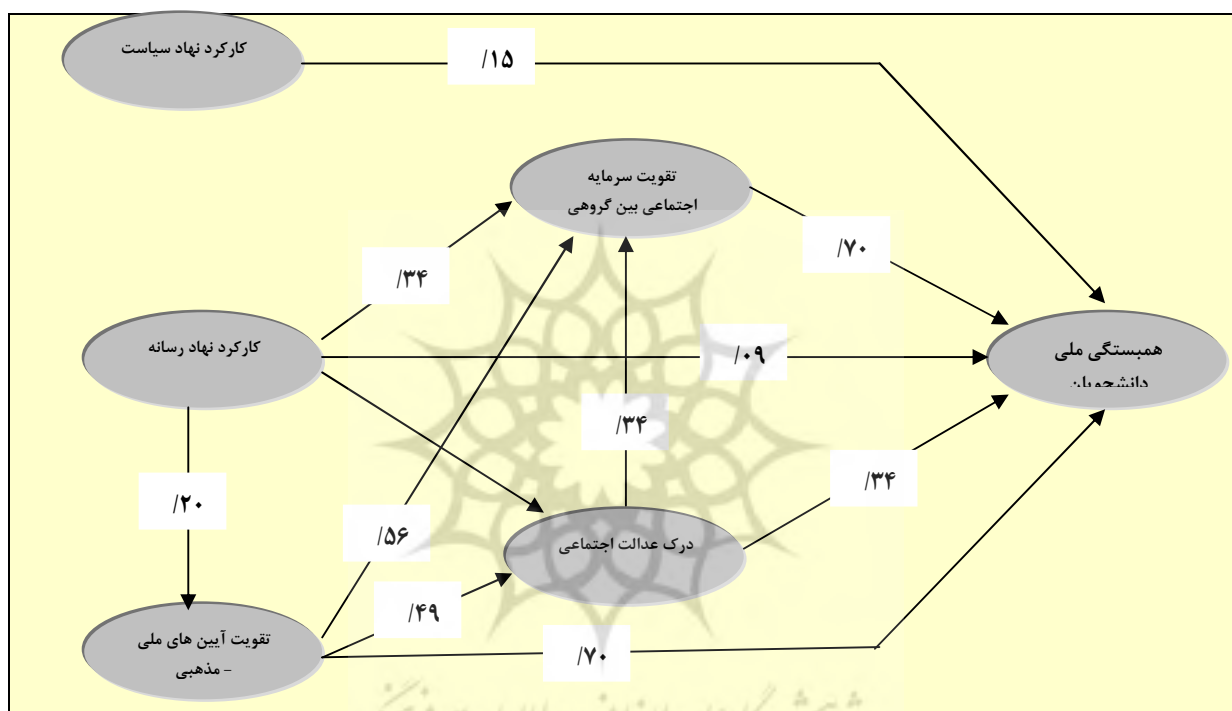
۴. متغیر مستقل تقویت آئین های ملی - مذهبی به میزان ۰/۷۰ بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری دارد. این امر بیانگر آن است که به ازای هر واحد افزایش در (انحراف استاندارد) متغیر مستقل تقویت آئین های ملی - مذهبی، ۰/۷۰ بر (انحراف استاندارد) میزان متغیر وابسته همبستگی ملی دانشجویان افزوده می شود.

۵. متغیر مستقل درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان به میزان ۰/۳۴ بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری دارد. این امر بیانگر آن است که به ازای هر واحد افزایش در (انحراف استاندارد)

متغیر مستقل درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان، ۰/۳۴ بر (انحراف استاندارد) میزان متغیر وابسته همبستگی ملی دانشجویان افزوده می شود.

ب- تحلیل مسیر

به منظور مشخص شدن اثرات مستقیم، غیرمستقیم و نیز اثرات کل متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان، ابتدا مدل علی (مسیر) ترسیم می شود. نمودار ۱، مدل علی تحلیلی- تجربی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی جوانان را نشان می دهد:



نمودار ۱: مدل علی تحلیلی- تجربی همبستگی ملی دانشجویان

اکنون با در اختیار داشتن مدل علی تحلیلی- تجربی همبستگی ملی دانشجویان می توان تأثیر مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و نیز تأثیر کل متغیرهای مستقل مؤثر بر همبستگی ملی دانشجویان را به شرح جدول ۱۱ مشخص کرد:

جدول ۱۱: تأثیرات متغیرهای مستقل مؤثر بر همبستگی ملی دانشجویان

همبستگی ملی جوانان			متغیرهای مستقل
تأثیر کل	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	
۰/۷۰	-	۰/۷۰	تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی
۰/۵۷	۰/۲۳	۰/۳۴	درک عدالت اجتماعی

۰/۷۶	۰/۰۶	۰/۷۰	تقویت آیین های ملی - مذهبی
۰/۳۰	۰/۲۱	۰/۰۹	کارکرد نهاد رسانه
۰/۱۵	-	۰/۱۵	کارکرد نهاد سیاست

اکنون با در اختیار داشتن مدل علی تحلیلی- تجربی(نمودار ۱) و نیز جدول تأثیرات(جدول ۱۱) می توان اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل مورد بررسی را بر همبستگی ملی دانشجویان تفسیر کرد:

۱. بین متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بین گروهی بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری به میزان ۰/۷۰ وجود دارد که به صورت مستقیم می باشد.
۲. بین متغیر مستقل درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری به میزان ۰/۵۷ وجود دارد که از این میزان، ۰/۳۴ به صورت مستقیم و ۰/۲۳ نیز به صورت غیر مستقیم و از طریق متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بین گروهی بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر می گذارد.
۳. بین متغیر مستقل تقویت آیین های ملی - مذهبی بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری به میزان ۰/۷۶ وجود دارد که از این میزان، ۰/۷۰ به صورت مستقیم و ۰/۰۶ نیز به صورت غیر مستقیم و از طریق متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی بین گروهی و درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر می گذارد.
۴. بین متغیر مستقل کارکرد نهاد رسانه بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری به میزان ۰/۳۰ وجود دارد که از این میزان، ۰/۰۹ به صورت مستقیم و ۰/۲۱ نیز به صورت غیر مستقیم و از طریق متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی بین گروهی، درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان و تقویت آیین های ملی- مذهبی بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر می گذارد.
۵. بین متغیر مستقل کارکرد نهاد سیاست بر متغیر وابسته همبستگی ملی تأثیر معناداری به میزان ۰/۱۵ وجود دارد که به صورت مستقیم می باشد.

بنابراین با توجه به یافته های به دست آمده از تحلیل چند متغیره، پنج فرضیه از میان هفت فرضیه جزئی تحقیق مبنی بر اینکه سرمایه اجتماعی بین گروهی، کارکرد نهاد سیاست، کارکرد نهاد رسانه، درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان و تقویت آیین های ملی- مذهبی بر همبستگی ملی دانشجویان تأثیر معناداری دارند، مورد تأیید واقع می شوند.

بحث و نتیجه گیری

یکی از دستاوردهای نظری و تجربی پژوهش حاضر این است که یافته‌های این تحقیق با سوابق نظری، سوابق تجربی و نیز مدل نظری همخوانی دارد و از لحاظ تجربی آنان را تقویت می‌کند. بدین ترتیب:

الف- رابرت پوتنام ذیل دو نوع سرمایه اجتماعی، بیان می‌دارد که این نوع از سرمایه اجتماعی اشاره به اعتماد میان گروه‌های مختلف موجود در درون یک جامعه دارد که به نوبه خود تقویت و افزایش آن در جامعه موجب تعاملات، مشارکت و پی‌گیری اهداف و مقاصد مشترک اعضا خواهد شد. این امر به نوبه خود موجبات تقویت و همبستگی ملی میان اعضای جامعه را فراهم می‌آورد. یافته‌های به دست آمده از فرایند تجربی داده‌ها این فرضیه را که سرمایه اجتماعی بین گروهی به همراه دو مولفه آن یعنی اعتماد اجتماعی بین گروهی و مشارکت اجتماعی بین گروهی موجب همبستگی ملی دانشجویان می‌شود را هم در تحلیل دو متغیره (جدول ۶) و هم در تحلیل چند متغیره (جدول ۹ و ۱۱ معادله نهایی پذیرفته شده رگرسیونی و نیز نمودار ۱) مورد تأیید و اثبات قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با پژوهش‌های کارکنان (۱۳۸۶) و آخوندی (۱۳۷۷) پیرامون نقش سرمایه اجتماعی انسجام بر همبستگی اجتماعی همخوانی دارد و به لحاظ تجربی به تقویت نتایج آنها دست یافته است.

ب- تالکوت پارسونز در ذیل نظریه نظام‌های خود، خرده نظام فرهنگی و نیز خرده نظام اجتماعی را در شکل‌گیری شخصیت و جامعه پذیری افراد جامعه موثر می‌داند، چراکه کنش اجتماعی افراد جامعه در محیط اجتماعی و متأثر از نظام فرهنگی جامعه می‌باشد که بواسطه مکانیسم‌های جامعه پذیری همچون: نهاد خانواده، آموزش، مذهب، رسانه و سیاست ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مورد قبول جامعه را به آنها منتقل می‌کنند. لذا همان گونه که در قسمت چارچوب نظری هم بیان شد، اگر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی منتقل شده از طریق مکانیسم‌های جامعه پذیری به اعضای جامعه در جهت عام‌گرایی، جمع‌گرایی، تعامل، وحدت، انسجام و همگرایی ملی باشد، این امر تقویت و تحکیم همبستگی ملی را به دنبال خواهد داشت. یافته‌های به دست آمده از فرایند تجربی داده‌ها، این فرضیه را که کارکرد نهادها و مکانیسم‌های جامعه پذیری همچون: کارکرد نهاد خانواده، کارکرد نهاد آموزش، کارکرد نهاد رسانه، کارکرد نهاد سیاست و نیز تقویت آئین‌های ملی- مذهبی موجب همبستگی ملی دانشجویان می‌شود را هم در تحلیل دو متغیره (جدول ۶) و هم در تحلیل چند متغیره (جدول ۹ و ۱۱ معادله نهایی پذیرفته شده رگرسیونی و نیز نمودار ۱) مورد تأیید و اثبات قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با پژوهش‌های ابراهیمی فر (۱۳۸۶)، حافظ نیا و

همکاران (۱۳۸۶)، کریمی (۱۳۹۰)، آدمی و همکاران (۱۳۹۰)، نظری و باقری (۱۳۹۰)، نیازی (۱۳۸۶)، رنجبر و بنکدار (۱۳۸۶)، قاسمی (۱۳۸۶)، سفیری و غفوری (۱۳۸۸) پیرامون نقش نهاد خانواده، آموزش، رسانه و سیاست بر همبستگی ملی همخوانی دارد و به لحاظ تجربی به تقویت نتایج آنها دست یافته است.

ج- جان رالز در ذیل تئوری خود در باب عدالت اجتماعی، عدالت را به مثابه انصاف به کار می گیرد و بیان می دارد که جامعه ای عادلانه است و نظام حقوقی و وظایف اجتماعی، زمانی منصفانه و عادلانه خواهد بود که ساختار آن مبتنی بر اصول و معیارهای عادلانه باشد. براساس رویکرد نظری عدالت اجتماعی به موضوع همبستگی ملی می توان چنین گفت که توزیع عادلانه منابع ارزشمند در داخل نظام اجتماعی، از یک سو و وجود برابری فرصت های اجتماعی و امکان تحرک اجتماعی برای همگان، از سوی دیگر موجب می شود که افراد جامعه عدالت حاکم و ناظر بر رفتار خود را منصفانه ارزیابی کنند و در نتیجه، با کلیت نظام اجتماعی و نیز اعضای دیگر جامعه احساس تعلق، تعهد و انسجام داشته باشند- این امر همبستگی اجتماعی و ملی را به دنبال خواهد داشت. یافته های به دست آمده از فرایند تجربی داده ها، این فرضیه را که درک عدالت اجتماعی از سوی دانشجویان موجب همبستگی ملی دانشجویان می شود را هم در تحلیل دو متغیره (جدول ۶) و هم در تحلیل چند متغیره (جدول ۹ و ۱۱ معادله نهایی پذیرفته شده رگرسیونی و نیز نمودار ۲) مورد تأیید و اثبات قرار می دهد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش به منظور افزایش همبستگی ملی در میان افراد جامعه به طور عام و دانشجویان به طور خاص پیشنهاد می گردد:

۱. با توجه به تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی بین گروهی بر همبستگی ملی دانشجویان لازم است که سرمایه اجتماعی بین گروهی بین افراد یک جامعه و به خصوص در میان دانشجویان افزایش یابد که این امر خود مستلزم افزایش اعتماد اجتماعی بین شخصی به ویژه اعتماد تعمیم یافته است- یعنی، شعاع اعتماد از خودی ها به دیگران عام گسترش یابد- و مکانیسم های جامعه پذیری به ویژه نهاد رسانه سهم قابل توجهی را می تواند در این زمینه داشته باشد. همچنین، افزایش سرمایه اجتماعی بین گروهی مستلزم تقویت و افزایش مشارکت اجتماعی بین گروهی در جامعه است. به عنوان نمونه، گسترش سازمان های مردم نهاد در جامعه می تواند موجبات تقویت مشارکت اجتماعی شهروندان یک جامعه را فراهم آورد، چراکه سازمان های مردم نهاد بسترهای مشارکت اجتماعی را در یک جامعه مهیا

می سازند. به بیان دیگر، برای تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی و به حداقل رساندن بی اعتمادی و افزایش تعاملات و مشارکت اجتماعی لازم است که افراد جامعه تنها به فکر منافع خود نباشند و در جهت دستیابی به آن عمل نکنند، بلکه به انجام کارهای جمعی در قالب گروه ها و تشکل های داوطلبانه و غیر داوطلبانه بپردازند- این امر جز در سایه پذیرش صداقت، قابلیت اعتماد و اطمینان به یکدیگر حاصل نمی شود. از این منظر می توان دریافت که دو مولفه سرمایه اجتماعی بین گروهی یعنی اعتماد اجتماعی بین گروهی و مشارکت اجتماعی بین گروهی علی رغم نقشی که در تحکیم سرمایه اجتماعی و در نهایت همبستگی ملی دارند، لازم و ملزوم یکدیگر نیز می باشند.

۲. با توجه به تأثیرگذاری متغیرهای مکانیسم های جامعه پذیری همچون: عملکرد نهاد رسانه، عملکرد نهاد سیاست، عملکرد نهاد آموزش، عملکرد نهاد خانواده بر همبستگی ملی دانشجویان پیشنهاد می شود که مکانیسم های مختلف جامعه پذیری به ویژه نهاد رسانه، آموزش و سیاست می توانند گام های موثری را در این زمینه با تدوین و عملیاتی کردن برنامه های مختص به حوزه خودشان که موجب افزایش سطح سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی بین گروهی و همبستگی ملی در میان شهروندان شوند، بردارند. خلاصه آنکه تصمیم ها، اهداف و برنامه های مکانیسم های جامعه پذیری باید در جهت تقویت تکثرگرایی وحدت محور در جامعه عملیاتی شود.

۳. درک عدالت اجتماعی نیز به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر همبستگی ملی در این پژوهش هم در بخش نظری و هم در بخش تجربی مورد بررسی، تحلیل و آزمون قرار گرفته و مورد تأیید واقع شده است. با توجه به اینکه عدالت اجتماعی در دو بخش عدالت توزیعی و عدالت رویه ای (مراوده ای) مورد بررسی و آزمون قرار گرفته، لازم است که مسئولان در برنامه ها، رویه ها و نیز توزیع منابع، تمامی اعضای یک جامعه را لحاظ کنند و متناسب با اصل برابری، شایستگی، انصاف و توجه به نیازمندان، اهداف و برنامه های خود را عملیاتی و پیش ببرند. بدیهی است چنان چه اعضای یک جامعه احساس کنند که در برخورداری از ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شان اصل برابری، شایستگی، انصاف و توجه به نیازمندان مراعات می شود، نسبت به مسئولان و در نهایت جامعه احساس تعلق، تعهد، مسئولیت و پیوند بیشتری خواهند نمود و خود نیز با دیگران همین رفتار را در پیش خواهند گرفت. همین امر سبب گسترش جهت گیری های عام گرایانه در میان اعضای جامعه خواهد شد و زمینه تقویت، افزایش و تحکیم وفاق و همبستگی ملی اعضای جامعه را فراهم خواهد آورد.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره. (۱۳۸۶). "الزامات همبستگی ملی از منظر سیاسی". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات ملی
- آدمی، علی و دیگران. (۱۳۹۰). "دانشگاه تمدن ساز؛ الگوی توسعه بومی و تعمیق همبستگی ملی". فصلنامه مطالعات ملی. موسسه مطالعات ملی، ویژه نامه، شماره ۱.
- ادیبی، حسین. (۱۳۷۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: جامعه
- استونز، راب. (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. مهرداد میردامادی. تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
- اسلامی، شهلا. (۱۳۸۷). "تحول نظریه‌ی عدالت رالز از عدالت اخلاقی به عدالت سیاسی". پژوهش‌های فلسفی. شماره سیزدهم، صص ۳۵-۵.
- اصغرپور، طاهر؛ مهرآذر، حمید و عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۴). "ناسیونالیسم مدنی و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران". چهارمین کنفرانس الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت؛ پیشرفت ایران: گذشته، حال و آینده. تهران، اردیبهشت.
- امام جمعه زاده، سیدجواد و همکاران. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر تبریز)". فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. دوره اول، شماره ۴، صص ۳۱-۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۰). بررسی مکتب‌نوسازی و نقش سرمایه اجتماعی در نظریه توسعه. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- بهفروز، فاطمه. (۱۳۷۴). زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- بیکر. ترز. ال. (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نایی. تهران، نشر نی
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. جلد دوم، چاپ اول، مشهد: نشر مرندیز
- جهانیان، منوچهر و همکاران. (۱۳۸۹). "مقدمه‌ای بر همبستگی ملی با تاکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و گردشگری". فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی. سال دوم، شماره سوم، صص ۱۱۴-۱۰۱.

- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). "وفاق اجتماعی". نامه علوم اجتماعی. دانشگاه تهران، جلد دوم، شماره ۳، پیاپی ۶.
- حافظ نیا، محمدرضا و همکاران. (۱۳۸۶). "نقش نهادهای اجرایی حکومتی در همبستگی ملی با تأکید بر نظریه کارکردگرایی ساختاری". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). "تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران)". فصلنامه ژئوپولیتیک. سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان.
- حیدری، شقایق. (۱۳۹۰). "انتخابات و همبستگی ملی". روزنامه جام و جم، بیستم بهمن ماه، شماره ۷۶، ص ۵.
- خانیکی، هادی. (۱۳۷۶). رسانه های جمعی و امنیت ملی. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- خسروی، علیرضا. (۱۳۹۰). "نقش دانشگاه در همبستگی ملی از منظر امام خمینی (ره)". فصلنامه مطالعات ملی. موسسه مطالعات ملی، ویژه نامه، شماره ۱.
- دادگر، یدالله و آرمان مهر، محمد رضا. (۱۳۸۸). "بررسی و نقد مبانی معیار عدالت اقتصادی جان رالز". پژوهشنامه علمی - پژوهشی علوم اقتصادی، سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۳۶.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نابیی. چاپ دوم، تهران: انتشارات نی نی.
- دورین، پاتریک و فرارو، توماس. (۱۳۸۶). مسأله همبستگی: نظریه ها و مدل ها. علی مرشدی زاده. چاپ اول، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- رنجبر، محسن و بنکدار، سید سروش. (۱۳۸۶). "بررسی راهکارهای تقویت وحدت و همبستگی ملی با تأکید بر نقش صدا و سیما استانی". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، موسسه مطالعات ملی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۳). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: علمی.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- سازمند، بهاره. (۱۳۸۶). "جایگاه هویت و همبستگی ملی در کتب درسی مقطع متوسطه". چکیده مقالات.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). "دین و همبستگی ملی در ایران". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. تهران: موسسه مطالعات ملی، صص ۶۱-۶۰.
- شریف زاده، حکیمه السادات. (۱۳۸۶). "نقش نظام تعلیم و تربیت در هویت یابی ملی". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. تهران: موسسه مطالعات ملی، صص ۴۱-۴۰.
- صادقیان، بتول. (۱۳۸۶). "مبانی همبستگی ملی در آموزه های اسلامی". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. تهران: موسسه مطالعات ملی، صص ۹۳-۹۲.
- صالحی امیری، سیدرضا و صمیمی، نیلوفر. (۱۳۸۶). "آیین های نوروزی و همبستگی ملی". فرهنگ مردم ایران. شماره ۱۱، صص ۱۹-۴.
- عالمی، مسعود. (۱۳۹۰). "انسجام کارکردی، نهادهای اجتماعی و تأثیر آن بر فرایند توسعه". مجموعه مقالات نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، انتشارات تمدن ایرانی
- عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۶). "کارگزاری رسانه ملی در فرایند همبستگی و وفاق ملی". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. تهران: موسسه مطالعات ملی، صص ۶۱-۶۰.
- فیلد، جان. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. غلامرضا غفاری و حسین رضانی. چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر
- قاسمی، حاکم. (۱۳۸۶). "بررسی نقش صدا و سیما بر همبستگی ملی". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- قاسمی، حاکم. (۱۳۹۰). "همبستگی ملی در کتاب های درسی دوره ابتدایی (مورد مطالعه: کتاب های فارسی)". مجموعه مقالات نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، انتشارات تمدن ایرانی

- قاسمی، وحید و امیری اسفرجانی، زهرا. (۱۳۹۰). "تبیین جامعه شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)". جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۲)، شماره دوم.
- کارکنان، محمد. (۱۳۸۶). "تبیین جامعه شناختی انسجام و همبستگی اجتماعی به عنوان نشانگان سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات ملی
- کرایب، یان. (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن. عباس مخبر. چاپ اول، تهران: انتشارات آگه
- کروی، مهدی. زندگی، ابتهاج. (۱۳۹۰). "گردشگری و همبستگی ملی؛ اثرات و روابط متقابل". فصلنامه گردشگری و توسعه، صص ۱۴۳-۱۲۲.
- کریمی، علی. (۱۳۹۰). "تأملی نظری درباره نسبت آموزش عالی و همبستگی اجتماعی". فصلنامه مطالعات ملی. تهران: موسسه مطالعات ملی، ویژه نامه، شماره ۱.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۰). نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، تهران: انتشارات تمدن اسلامی منصورفر، کریم. (۱۳۸۷). آمار پیشرفته. تهران: دانشگاه تهران
- موسوی، میرطیب. (۱۳۸۹). "اندیشه سرمایه اجتماعی: وفاق اجتماعی، توسعه سیاسی و امنیت ملی". فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. شماره سیزدهم، صص ۱۳۸-۱۱۵.
- نجفی، محمود. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه دینداری و بحران هویت دانش آموزان شاهد و غیرشاهد استان ایلام". بنیاد شهید و امور ایثارگران، استان ایلام.
- نظری، علی اشرف و باقری، صمد. (۱۳۹۰). "آموزش عالی و همبستگی ملی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)". فصلنامه مطالعات ملی. تهران: موسسه مطالعات ملی، ویژه نامه، شماره ۱.
- نیازی، محسن. (۱۳۸۶). "بررسی نقش آموزش عالی در افزایش میزان انسجام و همبستگی اجتماعی در شهر کاشان". چکیده مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات ملی
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۰). "بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)". جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳، شماره سوم.

- Tajfel, Henry .(1978). **Inter individual behavior an Inter group behavior.**
London. Academic press
- Turner, J. C. (1982). **Towards a Cognitive redefinition of the social group.**
In. H. Tajfel (ed) social identity and inter group relations Cambridge,
Cambridge university press.
- Hogg, M. A., Vaughan, G. M. (2002). **Social Psychology** (3rd ed).
London Prentice Hall



Reviews of Social and Political Factors Affecting the Young Students National Solidarity (Unity)

Reza Jalali

Ph.D., Associate Professor in Political Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Miad Sadeghi

Master degree in Political Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Maryam Darbanian

Academic member of Payam-e- Noor University, Tehran, Iran

Received:12 Jul. 2016

Accepted:6 Sep. 2016

The study is to review the social and political factors affecting young students' National Solidarity (case study: political sciences faculty of Islamic Azad University- Central Tehran Branch) through exploration and analysis of the theoretical and experimental background and survey study sought. From this perspective, in addition to reviewing the conceptual space of the case and determining the structures of national solidarity, integrated approach was used based on the theory of social capital by Robert Putnam, social system by Talcott Parsons and social justice by John Rawls to theoretical and experimental (empirical) explanation of the research topic. Also, with respect to the assumptions obtained from these approaches and theories regarding the characteristics and features of the study population, it was tried to identify social and political factors affecting the National Solidarity of students. Using the survey and utilizing questionnaire technique on 310 students in political sciences of Islamic Azad University central Tehran branch that have been selected through stratified random ratio sampling and the table of Krejcie & Morgan (1970) and needed information and data for the study were collected. Index of Cronbach's alpha coefficient in the range of zero to one was used for calculating the credit of indicators formal (nominal) content validity, as well as for calculating validity (reliability). The findings indicated that variables such as intergroup social capital (social trust within the group, social participation within the group), functioning of politic institutions, media function, the function of the family, strengthen national-religious rituals, the students' understanding of social justice (understanding and communicative and procedural justice) showed a significant and important relation to the National Solidarity variable. Also, between students national solidarity in terms of age, gender, educational level, marital status significant differences were observed and married individuals compared to singles, MA and PHD students

than BA students, women than men, and age group of older than 35 years old and from 26 to 30 years old have high National Solidarity.

Keywords: National Solidarity (National Unity), Intergroup Social Capital, Social Trust within the Group, Intergroup Social Participation, Functioning of Politics Institutions, Functioning of Media, Educational Institution Function, Function of the Family, Strengthen National-Religion Rituals, Understanding of Social justice, Understanding of Distributive Justice and Understanding of Procedural Justice (Communicative)

